

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)

سال هفتم، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۴

## پسوند گذشته‌ساز در لری کهگیلویه و بویراحمد و رفتار تلفظی آن

یدالله پرمون<sup>۱</sup>

منا محمدی هاشمی<sup>۲</sup>

صدیقه گوشه<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۹۰/۲/۲۰

تاریخ تصویب: ۹۳/۱۲/۱۱

### چکیده

پژوهش حاضر به منظور بررسی ماهیت زیرساختی [ژ] روساختی در صورت تصریفی گذشته افعال گویش لری شهر یاسوج، مرکز استان کهگیلویه و بویراحمد انجام شده است. با توجه به تنوع موجود بین گویش‌های مختلف این منطقه، گاه تفاوت‌هایی در تلفظ اشکال

<sup>۱</sup> دکترای زبان‌شناسی و عضو هیئت علمی پژوهشکده زبان و گویش پژوهشگاه میراث فرهنگی؛

yadollahparmoon@yahoo.com

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)؛ monah59@yahoo.com

<sup>۳</sup> کارشناس ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء (س)؛ se.goosheh@yahoo.com

تصريفی زمان گذشتهٔ افعالی مانند «دیدن، رسیدن، نهادن، برخاستن و...» که در زیرساخت آنها همخوان [d] وجود دارد، مشاهده می‌شود به این صورت که در روساخت به جای همخوان [d]، در برخی صورت‌های تصريفی، دال زاگرس [j] و در برخی دیگر [z] ظاهر می‌گردد. در تقطیع تکواژی افعال نام‌برده این مسئله مطرح است که [z] ظاهر شده در روساخت، تکواژ میانجی است یا حاصل فرایند نرم‌شدگی [d] موجود در زیرساخت. در این راستا، وجود رابطه‌ای میان [z] و دال زاگرس [j]، هم‌چنین ارتباط این دو با [d] فارسی و قاعده‌مند بودن این فرایند مورد بررسی قرار گرفت. شواهد زبان‌شناسی در زمانی و هم‌زمانی حاکی از آن است که زنجیره‌ای از قواعد شامل نرم‌شدگی، درج و حذف در شکل‌گیری ساختار تصريفی گذشتهٔ افعال مورد بحث دخیل‌اند؛ در حالی که برخی بر این عقیده‌اند که صرفاً فرایند درج در ساختار گذشتهٔ این افعال رخ داده است و در نتیجه [z] ظاهر شده در روساخت، تکواژ میانجی محسوب شده، در تقطیع به صورت یک تکواژ جداگانه آوانویسی می‌شود. نمونه‌ها و مثال‌های مورد استفاده در این پژوهش برگرفته از اطلاعات ضبط‌شده از گویشور لری ساکن شهر یاسوج است. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل این داده‌ها به صورت مجموعه‌ای از قواعد واج‌شناختی ارائه شده است.

**واژه‌های کلیدی:** گویش لری، زبان لری، کهگیلویه و بویراحمد، نرم‌شدگی، حذف، درج، ابدال، دال زاگرس، صامت میانجی/تکواژ میانجی

## ۱. مقدمه

به‌هنگام تقطیع تکوازی افعال در گویش لری کهگیلویه و بویر احمد، مواردی بحث برانگیز مشاهده شد بدین صورت که در برخی صورت‌های صرفی افعال گذشته ساده، همخوان /z/ به جای /d/ ظاهر می‌شود. برخی بر این باورند که /z/ حاصل فرایند درج است و درحقیقت نقش تکواژ میانجی را ایفا می‌کند حال آن‌که پس از مطالعه نمونه‌های جمع‌آوری شده از گویشور ساکن منطقه، فرایند تبدیل /d/ به /z/ در شرایط آوایی خاص منطقی به نظر می‌رسد و تنوع مشاهده‌شده در بین گویش‌های مختلف این منطقه نشان از رابطه میان /d/ و /z/ دارد. این مسئله انگیزه‌ای برای نگارش این مقاله و تحقیق بیشتر در این زمینه شد.

## ۲. پیشینه

در این مقاله، پس از مروری بر پیشینه توصیفی و نظری مربوط، سعی شده از دیدگاه نظریه واج‌شناسی معیار (SPE) فرآیندهای واج‌شناسی مورد بررسی قرار گیرد.

## ۲.۱. جایگاه و زبان قوم لر

گیرشمن در کتاب *ایران از آغاز تا اسلام* نژاد لر را متعلق به ایلامیان، کاسیان، لولویی‌ها و گوتی‌ها می‌داند و معتقد است که همه اینها از یک نژاد هستند (رمجویی، ۱۳۸۵: ۷)؛ هرچند که منابع عربی قرون وسطا اینان را جزو قبایل کرد آورده است و به نام «اکراد» معرفی می‌کنند (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۳۱۲). راولینسون (۱۸۳۶: ۱۱۳) زبان لری را مشتق از فارسی باستان می‌داند که هم‌زمان با زبان پهلوی به‌طور جداگانه و مشخص صحبت می‌شده است. هاشمی (۱۳۸۱: ۳) معتقد است زبان لری از زبان‌های باستانی و قدیمی است که رابطه درخور توجهی با زبان فارسی میانه (پهلوی) دارد.

لری زبانی هندوایرانی با بیش از چهار میلیون گویشور است. مناطق بومی لری در جنوب غربی ایران و جنوب شرقی عراق وجود دارند، اگرچه تعداد کمی از گویشوران به مناطق دیگر آسیا و کشورهای غربی مهاجرت کرده‌اند (آنونبی: ۲۰۱۱). لری در ایران عمدتاً مورد تکلم مردم لر و بختیاری ساکن استان‌های لرستان، ایلام، چهارمحال و

بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، بخش‌هایی از خوزستان، فارس، مرکزی، کرمانشاه، اصفهان و همدان است (ویکی‌پدیا: ۲۰۱۱).

در گذشته، لری به‌عنوان یک زبان واحد دسته‌بندی می‌شد، اگرچه عقاید در این باب متفاوت است. از یک سو، تعداد کمی از محققان عقیده‌شان موافق با نظر اکثریت مردم ایران است و لری را یک گویش فارسی می‌دانند. از سوی دیگر، تعداد زیادی از پژوهشگران لری را قابل تقسیم به بیش از یک زبان می‌دانند. مشاهده گویسوران، مصاحبه‌های جامعه‌شناسی زبان و فهرست واژگان حاصل از مناطق زبانی مختلف نشانگر آن است که می‌توان لری را به سه منطقه زبانی تقسیم کرد: لرستانی، بختیاری و لری جنوبی (آنونبی: ۲۰۱۱).

دایره‌المعارف زبان و زبان‌شناسی اشر گویش‌های فارس و قبایل لر جنوبی را گویش‌های خویشاوند می‌داند و فقط کردی، بلوچی و تا حدی لری را به دلیل قدرت سیاسی گویسورانش زبان‌های مجزا دانسته است (اشر، ۱۹۹۴: ۱۷۷۳). از پژوهشگران خارجی که به بررسی لری پرداخته‌اند می‌توان از اومان<sup>۱</sup> (۱۹۱۰)، لریمر<sup>۲</sup> (۱۹۹۲)، ارانسکی<sup>۳</sup> (۱۹۹۸) و انانبی<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) نام برد (رزمجویی، ۱۳۸۵: ۳).

نظام مصوت‌ها در گویش‌های لری شامل  $\bar{u}/\bar{u}/\bar{i}/\bar{a}/\bar{a}$  می‌شود. مصوت‌های مرکب  $/ey/$  و  $/ow/$  معمولاً به صورت  $/\bar{e}/$  و  $/\bar{o}/$  کاهش می‌یابند. صامت‌ها همان صامت‌های زبان فارسی هستند، به‌اضافه صامت  $/\bar{d}/$  که گونه پس‌مصوتی  $/d/$  است و احتمالاً صامت  $/w/$  که با  $/v/$  یا  $/b/$  فارسی در تناوب است (اشمیت، ۱۳۸۳: ۵۶۷).

## ۲.۲. بررسی لری کهگیلویه و بویراحمد از دیدگاه مقیمی

در کتاب بررسی گویش بویراحمد و... (مقیمی، ۱۳۷۳: ۸۶-۸۵) تألیف افضل مقیمی چنین آمده است که شناسه‌های زیر در صرف بعضی افعال کاربرد دارند:

<sup>۱</sup> Omen

<sup>۲</sup> Lorimer

<sup>۳</sup> Oranski

<sup>۴</sup> Anonby

m- (مفرد) -j/i (مفرد) - Ø (مفرد)  
 jm- (جمع) -jt (جمع) -n (جمع)

مقیمی معتقد است که این شناسه‌ها در صورت صرفی گذشته افعالی ظاهر می‌شوند که نشانه ماده گذشته آنها /æd/ و /ad/ باشد؛ در این صورت صامت /d/ در پایان آنها می‌افتد. در اول شخص جمع و دوم شخص مفرد و جمع، مصوت‌های /a/ و /æ/ به /e/ بدل می‌شوند. او به عنوان مثال به افعالی چون «افتادن، ایستادن، نهادن، دادن، آمدن و ستدن» اشاره کرده است.

برای روشن تر شدن مطلب از همین کتاب به ذکر نمونه‌هایی پرداخته شده است. برای مثال، گذشته ساده فعل «نهادن» در گویش لری بویراحمد به دو صورت قابل صرف است:

جدول ۱. صرف فعل «نهادن»

صورت صرفی دوم	صورت صرفی اول	
neh+ã+m	neh+ad <sup>w</sup> +õm	اول شخص مفرد
neh+ej	neh+ad+i	دوم شخص مفرد
neh+a	neh+ad	سوم شخص مفرد
neh+ej+m	neh+ad+ĩm	اول شخص جمع
neh+ej+t	neh+ad+it	دوم شخص جمع
neh+ã+n	neh+ad+ẽn	سوم شخص جمع

همان‌طور که نشان داده شده است، در صورت صرفی دوم این فعل که ستاک گذشته مختوم به /ad/ دارد، در اول شخص جمع و دوم شخص مفرد و جمع علاوه بر حذف /d/ و تغییر در مصوت‌ها، همخوان /j/ ظاهر شده است که تقطیع تکواژی را در این مرحله بحث‌برانگیز می‌کند و بنابراین به منظور ایجاد قطعیت در تقطیع تکواژی باید ماهیت /j/ ظهور یافته در این صورت‌ها مشخص شود، حال آن‌که مقیمی در این کتاب در مورد این مسئله مطلبی را ذکر نکرده است.

### ۳. برخی اصطلاحات فنی مورد نیاز

اگرچه فرایندها و اصطلاحات توضیح داده شده در ادامه برای مخاطب زبان‌شناس آشنا هستند، در مورد برخی به‌ویژه در ارتباط با گویش لری بحث وجود دارد. بر این اساس، نگارندگان ترجیح دادند تا با معرفی اجمالی این اصطلاحات فنی، موضع خود را در این مقاله برای خواننده مشخص کنند و در ضمن در هر مورد با استفاده از ادبیات موجود شواهد کافی از زبان لری ارائه خواهد شد.

#### ۳.۱. فرایند درج<sup>۱</sup>

در فرایند درج، عنصر ساختاری جدید در یک زنجیره اضافه می‌شود؛ مانند درج تکواژ منفی یا درج ضمیر در جایگاه فاعل در جمله. اما در واج‌شناسی، یک عنصر واجی در یک واژه درج می‌شود که به آن «میان‌هشت» می‌گویند. در فرایند میان‌هشت، یک همخوان بین دو واکه درج می‌شود تا از التقای مصوت‌ها ممانعت کند و یا یک واکه میان دو همخوان درج می‌شود تا خوشه همخوانی شکسته شود. چون این عناصر در مرز میان دو هجا یا دو تکواژ و گاهی بین دو کلمه ظاهر می‌شوند، متعلق به واحدهای بزرگ‌تر از واج هستند و از این‌رو در زمره نواها قرار می‌گیرند (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۷۴-۲۷۳).

ساخت و ترکیب هجاها نقش مهمی در صورت‌بندی فرایندهای واجی یک زبان دارند؛ برای مثال فرایند میان‌هشت در بسیاری از زبان‌ها معمولاً جایی یافت می‌شود که در ساخت‌واژه یک زبان از قواعد واج‌آرایی آن تخطی شده است و خوشه همخوانی یا واکه‌ای غیرمجاز به وجود آمده است؛ در چنین حالتی، صورت زبانی قبل از رسیدن به رو‌ساخت با استفاده از فرایند درج اصلاح می‌شود (کرد زعفرانلو کامبوزیا، ۱۳۸۵: ۲۴۸).

#### ۳.۲. صامت میانجی / تکواژ میانجی<sup>۲</sup>

صامت میانجی به صامتی گفته می‌شود که در روی زنجیره گفتار برای جدا کردن دو مصوت که معمولاً اولی در پایان تکواژ قبلی و دومی در آغاز تکواژ بعدی قرار دارد،

<sup>۱</sup> insertion

<sup>۲</sup> mediating consonant

به کار می‌رود. برخورد دو مصوت به این صورت «التقای مصوت‌ها»<sup>۱</sup> نامیده می‌شود (صادقی، ۱۳۸۰: ۲۵).

صادقی (۱۳۸۰: ۲۶) معتقد است صامت‌های میانجی در زبان تقریباً در تقابل با هیچ واج دیگری قرار نمی‌گیرند و در نتیجه تمایز معنایی ایجاد نمی‌کنند؛ به بیان دیگر، وابسته به محور هم‌نشینی یعنی زنجیره گفتار هستند و شرایط آوایی و صرفی واحدهای حاضر در کلام، یعنی واج‌ها، به صورتی است که حضور آنها را به کلام تحمیل می‌کند و گوینده در انتخاب آنها دخالتی ندارد، برخلاف واج‌ها که توسط گوینده انتخاب می‌شوند و به همین دلیل تمایز معنایی ایجاد می‌کنند.

شقایقی (۱۳۸۶: ۷۸) می‌گوید از آنجا که طبق قواعد واج‌آرایی زبان فارسی، تلاقی دو واکه مجاز نیست، می‌توان ادعا کرد که این همخوان‌ها در واقع تکواژ میانجی هستند و از تلاقی دو واکه یا التقای مصوت‌ها و تولید صورت‌های بدساخت ممانعت می‌کنند؛ پس می‌توان نمودهای صوری متفاوت تکواژ میانجی انتزاعی را به منزله تکواژ گونه‌های آن و به صورتی قانونمند توصیف کرد. چون عنصر میانجی در میان واکه‌ها و به منظور ممانعت از مجاورت آنها و رعایت قواعد واج‌آرایی زبان فارسی ظاهر می‌شود و کاربرد آن مقید به بافت آوایی، دستوری، واژگانی و صرفی است، وی این عنصر را تکواژ می‌نامد و از نام صامت یا همخوان میانجی اجتناب می‌کند.

### ۳.۳. فرایند ابدال<sup>۲</sup>

طی فرایند ابدال در زنجیره گفتار، یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگر تبدیل می‌شود. این فرایند بر دو نوع است: نوع اول تاریخی، که در آن یک همخوان یا واکه به همخوان یا واکه دیگری تبدیل می‌شود؛ مثل «خستره» [χʃæθræ] ایرانی باستان که به «شهر» [ʃæhr] تبدیل شده است. در واقع صامت [θ] ایرانی باستان در فارسی به [h] بدل شده است. در نوع دوم، یک واحد زنجیری به واحد زنجیری دیگر تبدیل می‌شود، بدون آن که بتوان در چارچوب فرایندهای همگونی، ناهمگونی واکه و همخوان و یا فرایندهای

<sup>۱</sup> hiatus

<sup>۲</sup> inversion

دیگر توجیهی یافت؛ مثل تبدیل [ʔ] به [v] در کلمه «جزء» و تلفظ آن به صورت «جزو» (زمردیان، ۱۳۷۹: ۴۳).

این فرایند به طور طبیعی در ابدال واج‌های هم‌مخرج یا قریب‌المخرج در واژه‌های یک‌گوش در مقایسه با فارسی رسمی بیشتر اتفاق می‌افتد. نمونه‌هایی از آن را در واژه‌های «یوغ، محکم، زشت، مگس و برگ» فارسی می‌توان یافت که در قایینی به شکل «جغ» [j<sup>w</sup>oq]، «مخکم» [m<sup>w</sup>oxc<sup>h</sup>æm]، «مقس» [mæqæs] و «بلگ» [bælg] تلفظ می‌شوند (زمردیان، ۱۳۷۹: ۴۳).

### ۳. ۴. نرم‌شدگی<sup>۱</sup>

صامت‌های ɣ, ð, w در اوستایی جدید در میان دو آوا جانشین b, d, g ایرانی باستان‌اند. ظاهراً b, d, g ایرانی باستان در میان دو آوا در فارسی باستان هم ɣ, ð, w تلفظ می‌شده‌اند (ابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۴). /d/ فارسی و تاجیکی و آسی در موارد معینی با ɣ/ روشنی مطابقت می‌کند (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۳۲).

### جدول ۲. d در زبان‌های مختلف

روشنی	آسی	تاجیکی	فارسی	
ðɛn <sup>1</sup> d <sup>w</sup> õn	dän <sup>1</sup> dag	dän <sup>1</sup> d <sup>w</sup> õn	dän <sup>1</sup> dän	دندان
ðau	d <sup>w</sup> uwä	d <sup>w</sup> u	d <sup>w</sup> o	دو

کیانی هفت لنگ (۱۳۷۸: ۱۴) در کتاب ضرب‌المثل‌های بختیاری به تلفظ دقیق برخی از واژه‌ها در بختیاری اشاره کرده و آن را حرفی حدفاصل «د» و «ذ» دانسته است که همان دال زاگرس خوانده می‌شود که آن را با ɪ نشان می‌دهند؛ مانند «رفتم» در فارسی که در بختیاری به صورت ræ:ɪ<sup>w</sup>õm تلفظ می‌شود. دال زاگرس یک ناسوده<sup>۲</sup> نرم‌کامی<sup>۲</sup> است که در تولید آن نوک زبان به سمت لثه برمی‌گردد. این آوا در گونه‌های کردی هورامان و

<sup>۱</sup> softening

<sup>۲</sup> approximant alveolar



بختیاری در نتیجه نرم شدن دال به وجود می‌آید که به آن دال زاگرس یا دال معجم می‌گویند و نزدیک‌ترین جایگاه تولید به r انگلیسی را دارد. نغزگوی کهن نیز به وجود این واج‌گونه در لهجه اسدآبادی و هم‌چنین به نقل از صادقی (۱۳۶۷) در لهجه‌های دوانی و بختیاری اشاره کرده است (نغزگوی کهن، ۱۳۹۲: ۸۹).

#### ۴. رفتارهای قاعده‌مند d و z در تاریخ زبان‌های ایرانی

طی دو هزار و پانصد سالی که زبان کنونی فارسی از پارسی باستان جدا شده و زبان آسی نیز از سکایی مهجور مانده، در هر دو زبان تغییرات اساسی ایجاد شده است؛ به‌عنوان مثال در فارسی از عهد باستان تاکنون «پ» اول حفظ شده و در آسی به «ف» تبدیل شده است. هم‌چنین «د» بعد از مصوت در آسی محفوظ مانده و در فارسی تبدیل به «ی» شده است. بنابراین، کلمه ایرانی «پادا» به معنی «پا» به «پا» ی کنونی فارسی و «فاد» آسی تغییر شکل داده است و پس از تغییرات نهایی در هر دو زبان به شکل «فاد» و «پا» درآمده است (ارانسکی، ۱۳۵۸: ۳۱-۳۰).

ناتل خانلری (۱۳۶۹: ۳۴۳-۳۴۴) در تاریخ زبان فارسی چنین آورده است که صامت‌های /d/ و /ð/ در میان دو مصوت به /z/ بدل می‌شود و مصوت‌های مرکب جدیدی را ایجاد می‌کند.

بررسی تغییرات ایجادشده در واژگان «می، پی، پای، رای»، بوی:

#### جدول ۳. تبدیل /d/ و /ð/ به /z/

rād̥j	pāda-/pāda	paða-/pada	maðu-	باستان
rāj	pāj	paj	maj	میانه
رای	پای	پی	می	جدید

و در ادامه چنین آمده است:

صامت‌های d=ð میانی باستان در پهلوانیک باقی مانده که در پارسیک به /z/ تبدیل شده و در مرحله جدید هم به همین صورت باقی مانده است.

## جدول ۴. تبدیل /d/ و /ð/ به /j/

باستان	پهلوانیک	پارسیک	جدید
pāda	pād	pāj	پای
baōða	bōd	bōj	بوی

لویس گری (۱۹۶۵: ۸۷) علت تغییرات /d/ به /j/ را جلوگیری از ایجاد گسستگی ناشی از خلأ یک d بین دو واکه می‌داند. به اعتقاد او این پدیده در گویش‌های ایرانی به اندازه هندی رایج نیست (مثال از گویش‌های ایرانی و سانسکریت: سانسکریت (SKT) /χadæ<sup>h</sup>i/ «می‌خورد»، فارسی نو /χajæd/ و کردی /χain/ و پهلوی /χadū(k)/ «بزاق» و فارسی نو /χadū/ و /χajū/ - فارسی نو /badam/ «بادام»، /vajām/ særq و šivn و کردی /bahīv/، /bāiv/). وی اعتقاد دارد فرایند تبدیل d به i یا همان آوایی شدن d هندواروپایی از طریق مرحله انتقالی /ð/ بسیار نادر است (مثال: ایرانی. Av (اوستایی) /pāda/ «پا»، Phl (پهلوی) /pā ī/، فارسی نو /pai/ Zaza /pā(i) (...)

حبیبی (۱۹۸۳: ۲۴۰) در مقاله «گویش لری، لهجه باشتی»، ساخت افعال در گویش لری لهجه باشتی را تابع دستور زبان فارسی می‌داند اما اشاره می‌کند که کاربرد و بیان آن تا حدودی تابع دستور خاص گویش است؛ مثلاً حذف برخی صامت‌های پایانی یا میانی در افعال که در معنای فعل خللی ایجاد نمی‌کند یا ابدال آنها به صامت‌ها یا مصوت‌های دیگر جهت سهولت بیان. وی از آن جمله به فعل «دیدن» اشاره کرده است: دیدم /di<sup>w</sup>öm/.

## ۵. روش‌شناسی

به منظور بررسی تغییرات آوایی پسوند گذشته‌ساز افعال گویش لری، تعداد ۷۳ فعل فارسی با توجه به ستاک، پیشوند و پسوند آنها از فرهنگ معین انتخاب شدند. این فعل‌ها شامل مواردی بودند که ستاک گذشته آنها به /id/، /ad/، /ud/، /ed/ و /æd/ ختم می‌شد و نیز فعل‌هایی که در آنها یک همخوان قبل از /d/ پایان ستاک وجود داشت. بدین ترتیب این امکان به وجود آمد که در صورت‌های تصریفی مختلف، ستاک گذشته افعال و چگونگی تغییرات در آنها بررسی شود.

در ابتدا نمونه‌های گویشی بسیاری در کل استان کهگیلویه و بویر احمد پیاده سازی شد ولی به دلیل این که همه موارد مورد نظرمان در آن نمونه‌ها یافت نشد، به سراغ یک گویشور مرد ۳۵ ساله رفتیم. از آنجا که این شخص اهل یاسوج است، شاید نسبت دادن یافته‌های این مقاله بر مبنای داده‌های این گویشور به کل استان کهگیلویه و بویر احمد چندان علمی نباشد ولی می‌توان در بررسی‌های بعد با مقایسه افراد دیگر به بررسی این یافته‌ها پرداخت. پس از ضبط صدای گویشور و جمع‌آوری نمونه‌های مورد نیاز، صورت‌های صرفی افعال بر اساس الفبای آوانگار بین‌المللی<sup>۱</sup> به صورت تفصیلی آوانویسی شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

## ۶. تجزیه و تحلیل

ظهور همخوان /j/ در برخی صورت‌های صرفی افعال گذشته در گویش لری کهگیلویه و بویر احمد و بحث بر سر ماهیت آن به‌عنوان صامت میانجی و یا وقوع فرایند ابدال /d/ به /j/ در شرایط آوایی خاص در اینجا مورد بحث قرار می‌گیرد. هم‌چنین مجموعه‌ای از قواعد دیگر نیز در این مختصر بیان شده است. در این مقاله با بررسی دقیق فرایندها در شش صورت گذشته ساده ۷۳ فعل منتخب، ماهیت /j/ و چگونگی تقطیع این فعل‌ها روشن خواهد شد.

از میان ۷۳ فعل منتخب، تعداد ۲۲ فعل به دو صورت صرف شدند. این افعال عبارتند از:  
 انداختن ver+da(ɪ)+æ̃n، ایستادن vej+sa(ɪ)+æ̃n، برخاستن vær+is+a(ɪ)+æ̃n،  
 برشته کردن briz+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n، برگرداندن vær+jærd+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n،  
 پوشاندن p<sup>w</sup>uf+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n، ترکاندن tərək+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n،  
 جوشاندن dʒ<sup>w</sup>uf+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n، جوییدن dʒaj+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n،  
 چسبانیدن tʃ<sup>h</sup>æsp+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n، چکانیدن tʃ<sup>h</sup>æc<sup>h</sup>+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n،  
 خوابانیدن x<sup>w</sup>o(ɪ)+w+n+a(ɪ)+æ̃n، دادن da(ɪ)+æ̃n، دریدن dræ̃n+a(ɪ)+æ̃n،  
 زدن zəɪ+æ̃n، سبیدن sa(ɪ)+j+æ̃n+a(ɪ)+æ̃n، ستن sæɪ+æ̃n

<sup>۱</sup> آوانویسی تفصیلی این صورت‌های صرفی بر مبنای الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) است.

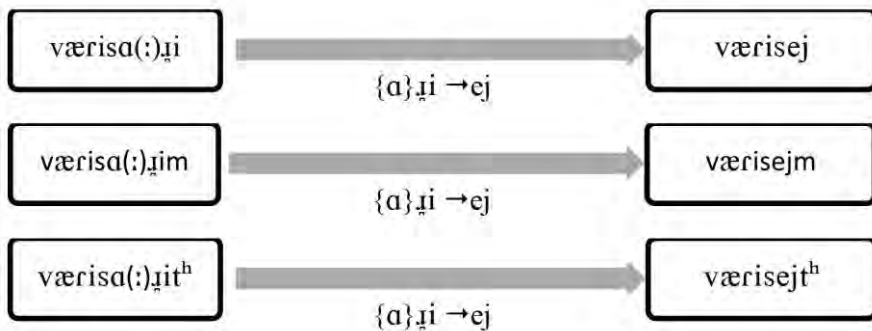
کوییدن  $k^wov+\tilde{a}n+a(:)i+\tilde{a}n$ ، لزانیدن  $l\tilde{a}rz+\tilde{a}n+a(:)i+\tilde{a}n$ ،  
 پاشیدن  $pej\tilde{c}^h+\tilde{a}n+a(:)i+\tilde{a}n$ ، پیچیدن  $p^hitj+\tilde{a}n+a(:)i+\tilde{a}n$  و  
 قاپیدن  $v\tilde{a}e(:)r^wov\tilde{a}n+a_i+\tilde{a}n$ .

در ادامه، فعل‌های برخاستن  $v\tilde{a}er+is+ad+\tilde{a}n$  با ستاک گذشته ساده مختوم به  $/ad/$ ،  
 آمدن با ستاک گذشته مختوم به  $/\tilde{a}d/$ ، بودن با ستاک گذشته مختوم به  $/id/$  و فرمودن با  
 ستاک گذشته مختوم به  $/ud/$  به‌عنوان مثال‌هایی از افعال لری با ستاک گذشته در محیط‌های  
 آوایی مختلف مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

**جدول ۵.** صرف فعل «برخاستن»  $/v\tilde{a}erisad\tilde{a}n/$  (محیط آوایی:  $/ad/$ )

صورت صرفی اول	صورت صرفی دوم	
$v\tilde{a}er+is+a(:)i^w+\tilde{o}m$	$v\tilde{a}er+is+\tilde{a}(:)i+m$	اول شخص مفرد
$v\tilde{a}er+is+ej$	$v\tilde{a}er+is+a(:)i+i$	دوم شخص مفرد
$v\tilde{a}er+is+a$	$v\tilde{a}er+is+a$	سوم شخص مفرد
$v\tilde{a}er+is+ej+m$	$v\tilde{a}er+is+a(:)i+\tilde{i}m$	اول شخص جمع
$v\tilde{a}er+is+ej+t$	$v\tilde{a}er+is+a(:)i+it$	دوم شخص جمع
$v\tilde{a}er+is+\tilde{a}+n$	$v\tilde{a}er+is+a(:)i+\tilde{e}n$	سوم شخص جمع

همان‌طور که از مقایسه دو صورت صرفی بالا مشخص می‌شود، در دوم شخص مفرد،  
 اول شخص جمع و دوم شخص جمع به ترتیب فرایندهای زیر صورت می‌گیرد:

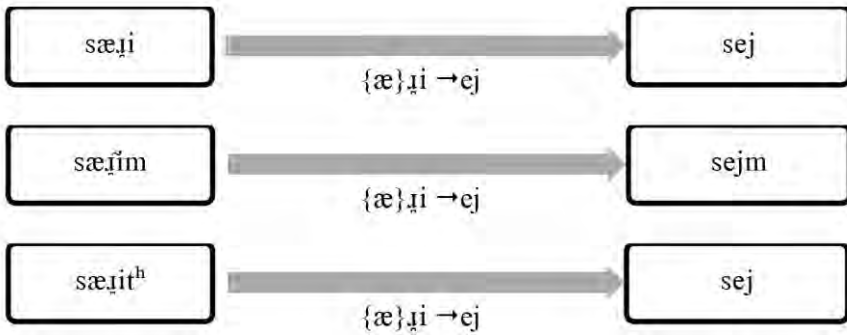


در فعل‌های «انداختن» /ver<sup>1</sup>+da(:)I+æ̃n/، ایستادن /vej+sa(:)I+æ̃n/،  
 برشته کردن /beriz+æ̃n+a(:)I+æ̃n/، برگرداندن /væɾ+jærd+æ̃n+aI+æ̃n/،  
 پوشانیدن /p<sup>w</sup>uʃ+æ̃n+a(:)I+æ̃n/، چسباندن /tʃ<sup>h</sup>æsp<sup>h</sup>+æ̃n+a(:)I+æ̃n/،  
 چکانیدن /tʃ<sup>h</sup>ec<sup>h</sup>+æ̃n+a(:)I+æ̃n/، جوییدن /dʒɑj+æ̃n+a(:)I+æ̃n/،  
 خوابانیدن /χ<sup>w</sup>ow+n+a(:)I+æ̃n/، دادن /da(:)I+æ̃n/، دریدن /dəræ̃n+aI+æ̃n/،  
 سباییدن /sa(:)j+æ̃n+a(:)I+æ̃n/، کوبیدن /k<sup>wh</sup>ov+æ̃n+a(:)I+æ̃n/،  
 لرزانیدن /lær<sup>1</sup>z+æ̃n+a(:)I+æ̃n/، پاشیدن /peʃc<sup>h</sup>+æ̃n+a(:)d+æ̃n/،  
 پیچیدن /p<sup>h</sup>itʃ<sup>h</sup>+æ̃n+a(:)d+æ̃n/، قاپیدن /væ(:)r<sup>w</sup>ovæ̃n+aI+æ̃n/،  
 جوشاندن /dʒ<sup>w</sup>uʃ+æ̃n+a(:)I+æ̃n/ و ترکانیدن /t<sup>h</sup>əræc<sup>h</sup>+æ̃n+a(:)I+æ̃n/ با محیط‌های  
 آوایی مشابه نیز فرایندی نظیر فعل «برخاستن» رخ می‌دهد.

**جدول ۶.** صرف فعل «ستدن» /sædæ̃n/ (محیط آوایی: /æd/)

صورت صرفی اول	صورت صرفی دوم	
sæI <sup>w</sup> +õm	sæ̃(:)+m	اول شخص مفرد
sæI+i	sej	دوم شخص مفرد
sæ̃(:)	sæ̃(:)	سوم شخص مفرد
sæI+im	sej+m	اول شخص جمع
sæI+it	sej+t	دوم شخص جمع
sæI+æn	sæ̃+n	سوم شخص جمع

با مقایسه دو صورت صرفی فعل «ستدن» نیز می‌بینیم که در صورت صرفی دوم شخص مفرد، اول شخص جمع و دوم شخص جمع به ترتیب فرایندهای زیر صورت می‌گیرد:



در فعل «زدن» /zɒ:æ̃n/ با محیط آوایی مشابه نیز فرایندی نظیر فعل «ستدن» رخ می‌دهد.

**جدول ۷.** صرف فعل «بودن» bi(:)iæ̃n (محیط آوایی: /id/)

bi(:)i <sup>w</sup> +õm	اول شخص مفرد
bi(:)i+i	دوم شخص مفرد
bi(:)/bi(:)+d	سوم شخص مفرد
bi(:)i+ĩm	اول شخص جمع
bi(:)i+it	دوم شخص جمع
bi(:)i+ẽn	سوم شخص جمع

این فعل تنها به یک صورت صرف می‌شود و همخوان /j/ ظاهر نمی‌شود.

در فعل‌های آفریدن /ʔa(:)fərii+æ̃n/، ارزی‌دن /ʔær<sup>1</sup>zid+æ̃n/

باریدن /ba(:)rii+æ̃n/، بخشیدن /bæχʃ+id+æ̃n/

بریدن /bəri(:)i+æ̃n/، پرستیدن /p<sup>h</sup>əræst<sup>h</sup>+i+æ̃n/، پسندیدن /p<sup>h</sup>əsæ̃n<sup>1</sup>d+i+æ̃n/

پوسیدن /p<sup>h</sup>is+i+ẽn/، چیدن /tʃ<sup>h</sup>i(:)i+æ̃n/، دزدیدن /dɒz+i(:)i+æ̃n/

شدن /va(:)+bi+æ̃n/ و چفتن /χæl va(:)+bi+æ̃n/ نیز همین اتفاق می‌افتد.

**جدول ۸.** صرف فعل «فرمودن» //færm<sup>w</sup>u<sub>ɪ</sub>æ̃n/ (محیط آوایی: /ud/)

færm <sup>w</sup> u <sub>ɪ</sub> <sup>w</sup> +õm	اول شخص مفرد
færm <sup>w</sup> u <sub>ɪ</sub> +i	دوم شخص مفرد
færm <sup>w</sup> u	سوم شخص مفرد
færm <sup>w</sup> u <sub>ɪ</sub> +im	اول شخص جمع
færm <sup>w</sup> u <sub>ɪ</sub> +it	دوم شخص جمع
færm <sup>w</sup> u <sub>ɪ</sub> +õn	سوم شخص جمع

در صرف فعل «فرمودن» نیز همخوان /j/ ظاهر نمی شود و تنها یک صورت صرفی وجود دارد.

با بررسی صورت های صرفی افعال مختلف در محیط های مختلف می توان فرایندهای رخ داده در این محیط ها را به صورت قواعدی ارائه کرد:

مثال	نمایش	قاعده
værisa(:)dõm ↓ værisa(:)ɪ <sup>w</sup> õm	$\left. \begin{array}{l} +const \\ -cont \\ -nas \\ -del\ rel \\ +cor \\ +ant \\ +voice \end{array} \right\} \rightarrow \left. \begin{array}{l} -const \\ +cont \end{array} \right\} / v \quad -v$	۱. قاعده عام نرم شدگی d
værisa(:)dõm ↓ værisa(:)ɪ <sup>w</sup> õm	$\left. \begin{array}{l} +const \\ -cont \\ -nas \\ -del\ rel \\ +cor \\ +ant \\ +voice \end{array} \right\} \rightarrow \left. \begin{array}{l} -const \\ +cont \end{array} \right\} +v \quad -+v$ Past tense	۲. نرم شدگی d پسوند گذشته ساز
værisa:ɪ ↓ værisej	$\left. \begin{array}{l} +const \\ +cont \\ +cor \\ +ant \\ +voice \\ -back \end{array} \right\} \rightarrow \left. \begin{array}{l} -ant \\ -cor \\ +high \end{array} \right\} / +v \quad -+v$ Past tense	۳. تبدیل ɪ به j (تاریخی)

<p>værisa(:)i<sup>w</sup>ōm ↓ værisā(:)m</p>	$\left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ +\text{voc} \\ -\text{high} \\ -\text{low} \\ +\text{back} \end{array} \right) \rightarrow \emptyset / + \left[ \begin{array}{l} v \\ +\text{low} \\ j \end{array} \right] + \left[ \begin{array}{l} -\text{nas} \\ +\text{lab} \end{array} \right]$ <p style="text-align: center;">Past tense      1<sup>st</sup> sing.</p>	<p>۴. حذف <math>\emptyset</math> در صیغه اول شخص مفرد (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>
<p>bi(:)i<sup>w</sup>ōm ↓ bi(:)j<sup>v</sup>ōm ↓ bi(:)j<sup>w</sup>m ↓ bi(:)m</p>	$\left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ -\text{voc} \\ +\text{high} \\ -\text{back} \end{array} \right) \rightarrow \emptyset / + \left[ \begin{array}{l} v \\ +\text{low} \end{array} \right] - + m$ <p style="text-align: center;">Past tense      1<sup>st</sup> sg.</p> <p><sup>۱</sup>برهم کنش زمینه‌افزا یا زمینه‌ساز: <math>\emptyset &lt; \xi &lt; \emptyset</math></p>	<p>۵. حذف <math>j</math> در صیغه اول شخص مفرد</p>
<p>værisa(:)i ↓ værisa(:)</p>	$\left( \begin{array}{l} +\text{const} \\ +\text{cont} \\ +\text{cor} \\ +\text{ant} \\ +\text{voice} \\ -\text{back} \end{array} \right) \rightarrow \emptyset / \left[ \begin{array}{l} +v \end{array} \right] - \neq$ <p style="text-align: center;">Past tense      3<sup>rd</sup> sing.</p>	<p>۶. حذف <math>i</math> پایانی در صیغه سوم شخص مفرد</p>
<p>væri:sajēn ↓ væri:sajn</p>	$\left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ +\text{voc} \\ -\text{high} \\ -\text{low} \\ -\text{back} \end{array} \right) \rightarrow \emptyset / + \left[ \begin{array}{l} v \\ +\text{low} \\ j \end{array} \right] + \left[ \begin{array}{l} -\text{nas} \\ +\text{cor} \end{array} \right] \neq$ <p style="text-align: center;">Past tense      3<sup>rd</sup> pl.</p> $e \rightarrow \emptyset / + \left[ \begin{array}{l} v \\ +\text{low} \\ j \end{array} \right] + - n$ <p style="text-align: center;">Past tense      3<sup>rd</sup> pl.</p>	<p>۷. حذف <math>e</math> در صیغه سوم شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>

<sup>۱</sup>feeding interaction



<p>væri:saj̃n ↓ væri:sān</p>	$\left. \begin{array}{l} \text{-const} \\ \text{-voc} \\ \text{+high} \\ \text{-back} \end{array} \right\} \rightarrow \emptyset / \left. \begin{array}{l} \text{v} \\ \text{+low} \end{array} \right\} \text{---} + n$ <p>Past tense 3<sup>rd</sup> pl.</p> <p>برهم کنش زمینه افزا یا زمینه ساز ۳ &lt; ۷ &lt; ۸</p>	<p>۸ حذف اُدر صیغه سوم شخص جمع</p>
<p>væri:saj̃i ↓ væri:saj</p>	$\left. \begin{array}{l} \text{-const} \\ \text{+voc} \\ \text{+high} \\ \text{+front} \end{array} \right\} \rightarrow \emptyset / \left. \begin{array}{l} \text{v} \\ \text{+low} \end{array} \right\} j \text{---} + \text{---}$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> sing.</p> $i \rightarrow \emptyset / \left. \begin{array}{l} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} j \text{---} + \text{---}$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> sing.</p>	<p>۹ حذف اِدر صیغه دوم شخص مفرد (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>
<p>væri:saj̃ ↓ væri:sej</p>	$\left. \begin{array}{l} \text{v} \\ \text{+low} \end{array} \right\} \rightarrow \left. \begin{array}{l} \text{-const} \\ \text{+voc} \\ \text{-high} \\ \text{-low} \\ \text{-back} \end{array} \right\} / + \text{---} j \neq + /$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> sing.</p> $\left. \begin{array}{l} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} \rightarrow e / + \text{---} j \neq + /$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> sing.</p> <p>برهم کنش زمینه افزا یا زمینه ساز ۳ &lt; ۹ &lt; ۱۰</p>	<p>۱۰. قاعده تبدیل <math>\left\{ \begin{array}{l} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\}</math> به e در صیغه دوم شخص مفرد (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>

<p>væri:sajit ↓ væri:sajt</p>	$\left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ +\text{voc} \\ +\text{high} \\ +\text{front} \end{array} \right) \rightarrow \left[ \begin{array}{c} \text{v} \\ +\text{low} \end{array} \right] j + \text{---} t$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> pl.</p> <hr/> $i \rightarrow \emptyset / \left\{ \begin{array}{c} a \\ e \end{array} \right\} j + \text{---} t$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> pl.</p>	<p>۱۱. قاعده حذف آ در صیغه دوم شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>
<p>sæjit ↓ sejt</p>	$\left( \begin{array}{l} \text{v} \\ +\text{low} \end{array} \right) \rightarrow \left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ +\text{voc} \\ -\text{high} \\ -\text{low} \\ -\text{back} \end{array} \right) / + \text{---} j + t$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> pl.</p> <hr/> $\left\{ \begin{array}{c} a \\ æ \end{array} \right\} \rightarrow e / + \text{---} j + t$ <p>Past tense 2<sup>nd</sup> pl.</p> <p>۱۲. قاعده تبدیل {a} به e در صیغه دوم شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p> <p>۱۲ &lt; ۱۱ &lt; ۳: برهم کنش زمینه‌افزا یا زمینه‌ساز</p>	<p>۱۲. قاعده تبدیل {a} به e در صیغه دوم شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>
<p>væri:sajim ↓ væri:sajm</p>	$\left( \begin{array}{l} -\text{const} \\ +\text{voc} \\ +\text{high} \\ +\text{front} \end{array} \right) \rightarrow \left[ \begin{array}{c} \text{v} \\ +\text{low} \end{array} \right] j + \text{---} m$ <p>Past tense 1<sup>st</sup> pl.</p> <hr/> $i \rightarrow \emptyset / \left\{ \begin{array}{c} a \\ æ \end{array} \right\} j + \text{---} m$ <p>Past tense 1<sup>st</sup> pl.</p>	<p>۱۳. قاعده حذف آ در صیغه اول شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>

<p>væri:sɑjm ↓ væri:sejm</p>	$\left[ \begin{array}{l} v \\ +low \end{array} \right] \rightarrow \left[ \begin{array}{l} -const \\ +voc \\ -low \\ -high \\ -back \end{array} \right] / + \left[ \begin{array}{l} -j \\ +m \end{array} \right]$ <p>Past tense 1<sup>st</sup> pl.</p>	<p>۱۴. قاعده تبدیل <math>\left\{ \begin{array}{l} a \\ æ \end{array} \right\}</math> به e در صیغه اول شخص جمع (به دو صورت نمایش داده شده است)</p>
	$\left\{ \begin{array}{l} a \\ æ \end{array} \right\} \rightarrow e / + \left[ \begin{array}{l} -j \\ +m \end{array} \right]$ <p>Past tense 1<sup>st</sup> pl. برهم کنش زمینه افزا یا زمینه ساز: ۱۴ &lt; ۱۳ &lt; ۳</p>	

در ادامه، قواعد بالا به گونه ای دیگر نمایش داده می شود:

سوم شخص جمع

UR/#væri:is+ad+en#/  
#væri:i:s+ad+en#

#væri:i:s+ɑ+en#R2

#væri:i:s+ɑj+en#R3

#væri:i:s+ɑj+n#R4

#væri:i:s+ɑ+n#R5

R2<R3<R4<R5 برهم کنش زمینه افزا

PR[væri:i:s+ɑ+n]

دوم شخص مفرد

UR/#væri:is+ad+i#/  
#væri:i:s+ad+i#/  
#væri:i:s+ɑ+i#R2

#væri:i:s+ɑj+i#R3

#væri:i:s+ɑj#R4

#væri:i:s+ej#R5

R2<R3<R4<R5 برهم کنش زمینه افزا

PR[væri:i:s+ej]

### دوم شخص جمع

UR/#væɾ+is+ad+it/	
#væɾ+i:s+ad+it#	
#væɾ+i:s+ɑ̃+it#R2	
#væɾ+i:s+ɑj+it#R3	
#væɾ+i:s+ɑj+t#R4	
#væɾ+i:s+ej+t#R5	
PR[væɾ+i:s+ej+t]	R2<R3<R4<R5 برهم کنش زمینه‌افزا

### اول شخص جمع

UR/#væɾ+is+ad+im#/	
#væɾ+i:s+ad+ĩm#	
#væɾ+I;s+ɑ̃+ĩm#R2	
#væɾ+i:s+ɑj+ĩm#R3	
#væɾ+i:s+ɑj+m#R4	
#væɾ+i:s+ej+m#R5	
PR[væɾ+i:s+ej+m]	R2<R3<R4<R5 برهم کنش زمینه‌افزا

## ۷. نتیجه گیری

پس از بررسی صورت‌های صرفی افعال مختلف و فرایند رخ داده در برخی صیغه‌های زمان گذشته ساده این افعال، در صرف گذشته ساده افعال در گویش لری، قاعده‌ای ارائه شد. این قاعده کلی است اما در مورد طبقات مختلف افعال و به صورت‌های گوناگون ظهور می‌یابد و در برخی شرایط دچار تغییراتی می‌شود و استثنای محیطی خاص خود را دارد.

$$1. \left\{ \begin{array}{c} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} di \rightarrow \left\{ \begin{array}{c} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} .i \rightarrow \text{ə.i} \rightarrow \text{əj} \text{ یا } \text{ej}$$

$$2. \left\{ \begin{array}{c} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} d \left\{ \begin{array}{c} -om \\ \emptyset \\ -ən \end{array} \right\} \rightarrow \left\{ \begin{array}{c} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} .i \left\{ \begin{array}{c} -om \\ \emptyset \\ -ən \end{array} \right\}$$

$$\rightarrow \left\{ \begin{array}{c} \alpha \\ \text{æ} \end{array} \right\} \left\{ \begin{array}{c} -m \\ \emptyset \\ -n \end{array} \right\}$$

با توجه به توضیحات بالا به نظر می‌رسد که علت ظهور /j/ در برخی صورت‌های صرفی در فعل‌های گذشته ساده در گویش لری کهگیلویه و بویراحمد به نوعی نرم‌شدگی همخوان /d/ و در نهایت ابدال آن به /j/ در شرایط آوایی است که پس از همخوان /d/ مصوت /i/ و قبل از آن مصوت‌های /ɑ/ یا /æ/ قرار می‌گیرد. در چنین محیطی /ɑ/ یا /æ/ به /ə/ یا /e/ تبدیل می‌شود و مصوت /i/ پس از دال زاگرس /ɪ/ هم حذف می‌گردد. دور از ذهن به نظر می‌رسد که همخوان /j/ ظاهر شده در این گونه بافت‌ها، صامت یا تکواژ میانجی باشد زیرا که ماهیت صامت میانجی جلوگیری از التقای مصوت‌ها در بافت بین دو واکه است حال آن‌که در سه صیغه صرفی فعل‌های گذشته یعنی دوم‌شخص مفرد، اول‌شخص جمع و دوم‌شخص جمع پس از همخوان /j/، به ترتیب /∅/، /m/ و /n/ قرار می‌گیرد.

## منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۷۷). دستور تاریخی مختصر زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.  
 اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳). راهنمای زبان‌های ایرانی (جلد دوم: زبان‌های ایرانی نو). ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: انتشارات ققنوس.

ارانسکی، یوسیف م. (۱۳۵۸). *مقدمه فقه‌اللغه ایرانی*. ترجمه کریم کشاورز. تهران: انتشارات پیام.

راولینسون، هنری (۱۸۳۶). *سفرنامه هنری راولینسون به لرستان - خوزستان - بختیاری*. خرم‌آباد: انتشارات انجمن ادب و قلم.

رزمجویی، اکبر (۱۳۸۵). *توصیف ساختمان دستوری گویش لری روستای کلاه‌سیاه*. همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.

زمردیان، رضا (۱۳۷۹). *گردآوری و توصیف گویش‌ها*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد. شقاقی، ویدا (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: انتشارات سمت.

صادقی، علی اشرف (۱۳۸۰). *مسائل تاریخی زبان فارسی*. تهران: انتشارات سخن.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالی (۱۳۸۵). *واج‌شناسی، رویکردهای قاعده‌بنیاد*. تهران: انتشارات سمت.

کیانی هفت‌لنگ، کیانوش (۱۳۷۸). *ضرب‌المثل‌های بختیاری*. تهران: انتشارات مولف.

مقیمی، افضل (۱۳۷۳). *بررسی گویش بویراحمد و... شیراز: انتشارات نوید شیراز*.

ناتل خانلری، پرویز (۱۳۶۹). *تاریخ زبان فارسی*. تهران: نشر نو.

نغزگوی کهن، مهرداد (۱۳۹۲). «بررسی تأثیر زبان عربی بر نظام واجی زبان فارسی و گونه‌های آن». *نشریه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی*. شماره ۵. همدان: دانشگاه بوعلی‌سینا.

هاشمی، محمد حسین (۱۳۸۱). *تأملی کوتاه در زبان لری*. تهران: انتشارات کیهان فرهنگی.

Anonby, Erik J. (2011). *Update on Luri: How Many Languages?*. In: <http://journals.cambridge.org>.

Asher, R.E. (1994). *Encyclopedia of Language and Linguistics*. Vol. 4. Oxford & New York: pergamon press .

Gray, Louis H. (1965). *Indo-Iranian Phonology* .vol. 2. New York: Columbia University Press .

*Luri Language* (2011). In: [http://en.wikipedia.org/wiki/Luri\\_language](http://en.wikipedia.org/wiki/Luri_language)